

ایلیا و الیشع

سطح مقدماتی

ایلیا و الیشع

این کتاب ترجمه ای است از :
les dossiers de la Bible
Elie et Elisée
Nov . 1993 No 50

سطح مقدماتی

فهرست

صفحه

۵ مقدمه
۷ ایلیا و الیشع ، قهرمانان ایمان
۱۲ سیمای ایلیا
۱۷ قربانی ایلیا بر کوه کرمل
۲۱ قربانی سوختنی ایلیا از دیدگاه مارا پرم
۲۲ معجزات ایلیا و الیشع
۲۷ پیامبر و قدرت
۳۱ طی طریق در بیابان
۳۶ در خون و آتش
۴۰ الیشع وارث
۴۷ مرد خدا
۵۱ ایلیا و عیسی در اناجیل
۵۶ گروههای مطالعاتی کتاب مقدس
۵۸ یادداشتهایی برای تعمق - مطالعه منظومه های ایلیا و الیشع
۶۰ رستاخیزهایی که ایلیا ، الیشع و عیسی انجام دادند



«یحیی لباس از پشم شتر می داشت و کمربند چرمی بر کمر» (متی ۴:۳).
 «مرد موی دار بود و کمربند چرمی بر کمرش بسته بود او گفت ایلیای تشبیی است» (۲-پادشاهان ۸:۱).
 «چرا کاتبان می گویند که الیاس باید اول بیاید. عیسی در جواب ایشان گفت که الیاس البته اول می آید و همه چیز را اصلاح می کند... لیکن به شما می گویم که الیاس هم آمد و با وی آنچه خواستند کردند...»
 (مرقس ۹:۱۱-۱۳).

مقدمه

این کتاب به دو نبی بزرگ یعنی ایلیا و الیشع اختصاص یافته است چرا که یقیناً "بیشترین تأثیر را بر سنت یهودیت و مسیحیت گذاشته اند. در حقیقت، در مسیحیت موردی منحصر به فرد وجود دارد که هنوز هم راهبان و راهبه های کارملیت معنویت و روحانیت خود را در تجربه ایلیای نبی تعمق بی بخشند چونکه این نبی کوه کرمل مانند آتش بلند شد و کلامش همچون مشعل می سوزانید (بن سیراخ ۴۸:۱). گواه آن امر این است که طی قرون این روایتهای قدیمی در باره ایلیا و الیشع به نورانی کردن کلام الهی و انتقال گرمای حضور یک شخص ادامه داده اند.

امروزه موقعیتهایی شبیه موقعیتهای زمان ایلیا وجود دارد: به نظر می رسد که اوضاع نامشخص، اخلاقیات ساده و جاذبه های ادیان مد روز، دعوت های انجیل را تحت شعاع خود قرار داده اند، ایلیا و الیشع در زمان خود بلند شده و به نام خدای زنده سخن گفتند و عمل نمودند. امیدواریم با مطالعه این کتاب روحیه نبوتی عیسی که در ما تعمید یافتگان منتقل شده توسط روح القدس تأیید شده، بار دیگر احیا گردد □

برای اینکه مطالعه این کتاب برای شما خواننده گرمی مفیدتر باشد حتماً باید روایات مربوط به ایلیا و الیشع را از قبل بدانید. اما اگر چنین نیست حتماً ابتدا بابهای از کتاب مقدس را که در رابطه با موضوع مزبور می باشند مطالعه نمایید: اول پادشاهان باب ۱۷ الی ۱۹ و دوم پادشاهان بابهای ۱ الی ۹ (و ۱۳: ۱۴-۲۱).

میزان وفاداریشان نسبت به این اعتقاد مورد قضاوت قرار گرفته اند. بدین ترتیب کتاب پادشاهان اهمیتی خاص به پیامبرانی چون ناتان، شمعیاء، اخیا، ایلیا، الیشع، میکاه، اشعیا و حتی زنی نبیه به نام حلدیه و دیگر انبیای گمنام می دهد (۱- پادشاهان ۱۳؛ ۲۰...) و آنان را سخنگویان خدای حقیقی بنی اسرائیل می شمارد. زنان و مردان با ایمانی که برای سداخه در امور سیاسی تردید به دل راه نمی دادند تا گاه و بی گاه به بنی اسرائیل گوشزد نمایند که پادشاهان اسرائیل یا یهودا نایب السلطنه خداوند هستند. اما اغلب اوقات پادشاهان به این انبیای مزاحم بدگمان نده و بعضی از آنها با شیوه های گوناگون سعی می کردند که خود را از دست ایشان خلاص کنند.

ایلیا و الیشع

یقیناً در حکومت شمال داستانهای زیادی درباره این دو مرد خدا یعنی ایلیا و الیشع بر سر زبانها بود. نگارندگان کتاب پادشاهان به منظور حفظ نعالیم ایشان به گرد آوری، اصلاح و گنجانیدن این داستانها در نوشته هایشان پرداخته اند. غالباً مجموعه روایتهاى عامیانه در مورد یک شخصیت مشهور را «منظومه» می نامند.

ایلیا رسالت خود را در دوران سلطنت آخاب بن عمری که ۲۰ سال بر قلمرو شمال حکومت کرد (۸۷۵-۸۵۳) آغاز نمود. آخاب، ایزابل دختر پادشاه صیدون را به زنی گرفت. ایزابل زنی بسیار مذهبی بود اما مذهبی رقابت طلب یعنی مذهب فنیقیان. او خدای بعل و الهه ای به نام عشتاروت را می پرستید که آنها را به همراه انبیا و کاهنان بی شمار به سامره آورده

ایلیا و الیشع ، قهرمانان ایمان

کتاب پادشاهان در دو قسمت همچون نقاشی دیواری بزرگی به ترسیم تصویر پادشاهان بنی اسرائیل طی چهار سده، از دوران کهولت داود (که به سال ۹۷۰ قبل از میلاد فوت شد) تا بازگشت یهوایکین از بابل به سلطنت (در سال ۵۶۱) پرداخته است. نویسندگان این کتاب از تاریخ و وقایع کم و بیش کهن الهام گرفته اند.

کتاب پادشاهان تنها ارائه تاریخ گذشته نیست، بلکه همانند دیگر کتب کتاب مقدس کتابی متعهد است و مدافع اعتقادات و عقاید ایمانداران می باشد. این کتاب روایتهایی از دوران انحطاط سلطنت برای عبرت ایمان داران ارائه می دهد. بنا به نظر برخی متخصصین، اولین نسخه کتاب پادشاهان در سالهای آخر حکومت یهودا و کمی پیش از سقوط اورشلیم نگاشته و سپس در زمان تبعید بین سالهای ۵۳۷ و ۵۶۱ بازنگری و اصلاح شده است.

خداوند و پیامبران

«تنها خدا پادشاه حقیقی بنی اسرائیل است» این اولین اصلی است که کتاب پادشاهان بر آن شهادت می دهد. خدا با قوم خود پیمان بست و شریعت را در زمان خروج به وی عطا کرد؛ پس بقا و پیشرفت اسرائیل منوط به پذیرفتن سلطنت خداوند و اجرای شریعتش می شود و در غیر این صورت بدبختی گریبان قوم را خواهد گرفت. پادشاهان مختلف براساس

برگشت ایلیا به کوه حوریب یا سینا یعنی کوه پیمان تصادفی نبود. ایلیا برای به اجرا درآمدن شریعت خداوند نیز مبارزه می کند: تو دیگر قتل و نزدی نخواهی کرد. روایت نابوت بیچاره لزوم رعایت عدالت و قانون توسط همگان و حتی شخص پادشاه را روشن می سازد.

منظومه الیشع (۲- پادشاهان ۲-۹؛ ۱۳)

این منظومه به معرفی شخصیتی کاملاً متفاوت با ایلیا می پردازد، با این حال ایمانی که از آن دفاع می کردند مشترک بوده. اولین روایتهای این منظومه که با منظومه ایلیا ارتباط دارد نشان دهنده ادامه همکاری بین دو پیامبر است. به عنوان مثال دعوت الهی الیشع (۱- پادشاهان ۱۹: ۱۹-۲۱) و بالا برده شدن ایلیا (۲- پادشاهان ۲: ۱-۱۸). آب ریختن الیشع بر دستهای ایلیا نشان می دهد که الیشع خدمتکار ایلیا بوده است (۲- پادشاهان ۳: ۱۱). الیشع تا هنگام ناپدید شدن ایلیا مصرانه در نزد استادش ماند. پس نصیب مضاعف روح او را دریافت کرد، همان گونه که پسر ارشد سهم مضاعف از ارث پدر دریافت می کند.

روایات منظومه الیشع بسیار از هم گسیخته هستند و موضوعات مختلفی را می توان در آنها دید. برخی از این متون در مورد «پسران انبیا» (۲- پادشاهان ۲: ۷-۱، ۱۵-۱۸، ۱۹-۲۲؛ ۴: ۷-۱، ۳۸-۴۴؛ ۶: ۷-۱) سخن می گویند. در روایات دیگر از جیحزی خادم صحبت می شود (۴: ۳۷-۸؛ ۵: ۱-۲۷؛ ۶: ۸-۲۳) و بالاخره سه روایت جنگی (۳: ۴-۲۷؛ ۶: ۲۴ تا ۷: ۲۰؛ ۱۳: ۱۴-۱۹) و دو روایت در مورد انتخاب پادشاه از سوی الیشع چه در اسرائیل (۹: ۱-۱۳) و چه در نزد آرامیها (۸: ۷-۱۵) نیز موجود است. بدین ترتیب مأموریتی که در کوه حوریب به ایلیا سپرده شده بود تحقق می یابد.

بود. از نظر ایلیا، ایمان به خدای اسرائیل در خطر بود چرا که قوم به شدت به هردو الهه خو گرفته بودند و می پنداشتند بهتر است خود را از هردو جانب مطمئن سازند! آخاب با سجده در برابر بعل آنچه در نظر خداوند ناپسند بود به جا آورد پس ایلیا مدافع سرسخت و پرشور ایمان پدران شد. الیشع جانشین وی نابودی خاندان عمری را با پشتیبانی از شورش ییهو تسریع نمود (سال ۸۴۱ ق.م.).

منظومه ایلیا (۱- پادشاهان ۱۷-۲۱؛ ۲- پادشاهان ۱-۲)

خواننده ای که برای اولین بار منظومه ایلیا را مطالعه می کند مجذوب و مفتون ایمان خدشه ناپذیر ایلیا و بخصوص روایتهای زیبای بیوه زن صرّه ای و قربانی کوه کرمل یا تاکستان نابوت شده و گاه نیز از خشونت برخی قسمتهای کتاب همچون اعدام ۴۵۰ نبی بعل در کوه کرمل غرق تعجب می شود. خواننده به خوبی آگاه است که بعل خدای طوفان و ساعقه، باران و باروری، خدایی ناتوان است چرا که نمی تواند قحطی و خشکسالی سرزمین خود را برطرف سازد. آیا خدای بنی اسرائیل توسط ایلیا در سرزمین بعل از بیوه زن صرّه ای مراقبت نکرد؟ و پسر آخاب به دلیل مشورت و پناه بردن به خدای بیگانه یعنی بعل زبوب محکوم نشد؟ (۲- پادشاهان ۱: ۱۶).

هدف ایلیا تنها مبارزه با آیینهای مذهبی بیگانه نیست بلکه وی مصمم به تصفیة مذهب بنی اسرائیل است، قومی که خداوند در نظرشان شباهت بسیاری به بعل دارد. در کوه حوریب ایلیا به این نتیجه رسید که خداوند خود را در تندباد و طوفان ظاهر نمی سازد بلکه در سکوت و آرامش.

سیمای ایلیا

ما از اصل و نسب و زندگی شخصی ایلیا چیز زیادی نمی‌دانیم. او به طور ناگهانی در باب ۱۷ کتاب اول پادشاهان ظاهر می‌شود: ایلیای تشبی از ساکنان جلعاد... بیایید تا از ورای روایتهای کتاب مقدس چهره‌وی را ترسیم کنیم. البته این کار مستلزم مطالعه قبلی این روایات می‌باشد.

مردی عزلت طلب

آیا نمی‌توان ایلیا را از روی لباسهای پوستین و کمر بند چرمینی که بر کمر می‌بست (۲-پادشاهان ۸:۱) یعنی لباس سنتی پیامبران شناسایی کرد؟ او که از سوی خداوند برای خدمت کلامش برگزیده شده بود به یکباره از دیگران جدا و منزوی شد. خدمت در راه کلام خداوند از همان آغاز مستلزم دوری گزیدن از محل‌های مسکون بود: «خداوند به وی گفت: ز اینجا برو و به طرف مشرق توجه نما و خویشتن را نزد نهر کریت پنهان کن» (۱-پادشاهان ۱۷:۲-۶). کلاغها در این نهر ایلیا را می‌پروراندند و او یاری می‌رساندند. بعدها که خشکسالی شدت گرفت خداوند به وی امر فرمود که به سرزمین بیگانه، به صرّفة صیدون برود و بیوه زنی در آنجا او را پذیرفت (۱-پادشاهان ۱۷:۱۸-۲۰).

از نظر آخاب که می‌بایست پس از گذشت سه سال از تبعید ایلیا با او روبرو شود، ایلیا شخصی بدیمن برای بنی اسرائیل و دشمنی شخصی برای خود او بشمار می‌رفت (۱-پادشاهان ۱۸:۱۷). به نظر می‌رسد که سایر

خدا دیگر مثل آنچه در منظومه ایلیا می‌خوانیم در این منظومه دخالت مستقیمی ندارد. الیشع «مرد خدا» همچون مردی حساس و حاضر به خدمت معجزاتی انجام می‌دهد. او سخنگوی خداوندی است که سعادت و حیات را برای قومش می‌خواهد. توجه به اقوام دیگر در شفای نعمان تجلی می‌یابد، این فرمانده دشمن که به سوی خدا بازگشته و خود را متعهد ساخته که خدایی جز خدای اسرائیل را نپرستد.

آینده‌ای ممکن و نوین

چرا در حالی که اشعیای نبی تنها در دو باب از کتاب معرفی شده (۲-پادشاهان ۱۹-۲۰) ایلیا و الیشع چندین باب از کتاب را به خود اختصاص داده‌اند؟ علاوه بر روایات عامیانه در مورد ایلیا و الیشع گارندگان کتاب پادشاهان نیز می‌خواستند، نشان دهند که خداوند توسط این دو نبی سلسله‌ای بی‌وفا نسبت به خدا را محکوم ساخته و سلسله دیگری را جایگزین آن می‌سازد. چرا که او قادر است موقعیت خطرناک و شوم کنونی بنی اسرائیل را پایان بخشد و دورانی جدید، شاد و سعادت‌مند تر بر وی بگشاید. ایمان به خدای بنی اسرائیل در روایات ایشان آرزو شده است.

به هنگام تبعید و بعد از آن در حالی که سرزمین، معبد و شاه نابود شده بودند یادآوری این مطلب که خداوند همیشه قادر به عطای آینده‌ای شاد به ایمانداران است امری واجب و حیاتی بود. بی‌لیاقتی پادشاهان نمی‌تواند مانع خوشبختی قوم توسط خدا باشد. تعجب آور نیست که در روایات بعدی امید آمدن ایلیای تازه‌ای به وجود آمده که ملکوت آسمانی خدا را علام می‌کند و باز تعجبی ندارد که جوامع مسیحی این ایلیای نوین را در عیسی مسیح بازشناخته‌اند □

خداوند ایلیا را مأمور کرد تا الیشع را به جای خود مسح نماید و بدین ترتیب جانشینی برای آینده یافت (۱۶:۱۹، ۱۹-۲۱). اما در حال حاضر الیشع بیشتر خادم است تا دوست. در آخرین لحظه ای که ایلیا و الیشع با هم طی طریق می کردند الیشع، ایلیا را *آقا* می نامد (۲-پادشاهان ۳:۲-۵)، با این همه ایلیا همچنان تنهاست.

شخصیتی پیچیده

جنبه های انسانی نبی توسط ویژگیهای شخصیتی بس متفاوت و گاه متضاد متجلی می شود، او همواره بی چون و چرا و با وجود تمام مشکلات و امر خداوند را اطاعت می کند. به محض دریافت فرمان حرکت می کند و به پیش می رود، فراتر و فراتر، حتی تا بیابان و تا حوریب. او برای گفتگو با پادشاهی که همه جا در پی اوست باز می گردد و خود را در معرض خشم وی قرار می دهد (۱-پادشاهان ۱۸:۱-۲)؛ پیامبری را که خداوند بدو نشان داده است مسح می کند و مجازات خداوند را مطیعانه به غاصبین جنایتکاری همانند پادشاه و ملکه (۱-پادشاهان ۲۱:۲۰) و نیز اخازیا که به بعل زبوب اعتماد دارد (۲-پادشاهان ۱:۶) اعلام می کند.

ایلیا با خداوند نیز مشاجره می کند. او تعهد وی را نسبت به بیوه زن صرفه ای و پسرش یادآوری می نماید (۱-پادشاهان ۱۷:۲۰) و وقتی آزمایش سخت می شود به جهت جان خود نیز آمرزش می طلبد (۱-پادشاهان ۱۹:۴). خشم پادشاهان را حقیر می شمرد و از آنان می گریزد، نسبت به بیوه زنی مسکین و کودکیتیم پر از شفقت است و در خدمت به آنان سبقت می جوید، در قبال عوبدیا که برای جان خود در

نبیا در گروههای چند نفری همکاری می کردند اما ایلیا خود را تنها نبی بیهوه به قوم معرفی نمود (۱-پادشاهان ۱۸:۲۲). هنگامی که مجبور شد از حضور ملکه ایزابل که به خاطر کشتار انبیای بعل به خشم آمده بود بگریزد انزوا و تنهائیش بیشتر شد (۱-پادشاهان ۱۹:۱-۵). ایلیا خادم ناشناس خود را در بشرشع وا گذاشت و به تنهایی عازم بیابان شد و در آنجا زیر *نرخت اردج دراز کشیده خوابید*. هنگامی که پس از ۴۰ روز پیاده روی به کوه خدا رسید به خداوند شکایت کرد که: «*بنی اسرائیل عهد تو را ترک کرده ... من به تنهایی مانده ام و قصد هلاکت جان مرا نیز دارند*» (۱-پادشاهان ۱۹:۱۴).



«ایلیای تشی که از ساکنان جلعاد بود به آخاب گفت به حیات بیهوه خدای اسرائیل که به حضوروی ایستاده ام قسم که در این سالها شبنم و باران جز به کلام من نخواهد بارید. کلام خدا بر روی نازل شده گفت: از اینجا برو و به طرف مشرق توجه نما و خویشتن را نزد نهر کریت که در مقابل اردن است پنهان کن و از نهر خواهی نوشید و غرابهارا امر فرموده ام که تو را در آنجا بپرورند» (۱-پادشاهان ۱۷:۴-۱).

۱۷:۱۵-۱۶) و از یأس بی پایان و کشنده خویش در بیابان نجات می یابد (۱-پادشاهان ۱۹:۶). او بدون واهمه و با وفاداری کامل تمام پیامهای خداوند را می رساند و خداوند او را با ظرافت تمام دلجویی و مواظبت می نماید: *برخیز و بخور زیرا که راه برای تو زیاده است* (۱-پادشاهان ۱۹:۷).

ایلیا با اطمینان از این که خدایی که دوستش می دارد او را اجابت می نماید برای برادرانش واسطه و میانجی می شود. او پایان قحطی و خشکسالی را به آخاب اعلام می دارد (۱-پادشاهان ۱۸:۴۱) و بیوه زن یکوکار را مطمئن می سازد که آرد و روغن لازم جهت خوراکش هرگز تمام نخواهد شد (۱-پادشاهان ۱۷:۱۴) و حتی موفق می شود جان پسرش را نیز برای وی از خداوند باز گیرد. با اینحال از قدرتش به نفع خود بهره نمی گیرد: *«ای بیوه امروز معلوم بشود که تو در اسرائیل خدا هستی و من بنده تو هستم و تمام این کارها را به فرمان تو کرده ام»* (۱-پادشاهان ۱۸:۳۶).

کلام خداوند همچون عطایایش از طریق ایلیا داده می شد. تنها راز ایلیا ایمان و وابستگی بی چون و چرایش می باشد. او به راستی می تواند بگوید: *«من به جهت بیوه غیرت عظیمی دارم»* (۱۴:۱۹). ایلیای با غیرت و مصالحه ناپذیر اقرار می کند: *«تو بیوه خدا هستی»* (۳۷:۱۸). مشتعل از آتش خداوندی در زمان حیاتش و بنا به قول بن سیراخ خود آتش بود (بن سیراخ ۱:۴۸) پس جز در آتش نمی توانست بالا برده شود. اما این کار زمانی انجام گرفت که خادمی دیگر یعنی الیشع پیدا شد تا رساندن کلام خدا را به انسانها ادامه دهد □

هراس است حساس و دلجوست (۱-پادشاهان ۱۸:۹-۱۷) و الیشع را به خوبی درک می کند (۲۰:۱۹). او بدون توجه نسبت به احساسات خویش ۴۵۰ نفر از انبیای بعل را به قتل می رساند (۱-پادشاهان ۱۸:۴۰) و برای دو سردار پنججابه و مردانش از آسمان آتش می طلبد (۲-پادشاهان ۱:۱۰-۱۲). بر کوه کرمل در هنگام تقدیم قربانی پیش از آن که خود را نسبت به خدای خود مطمئن و مغرور نشان دهد و در دعایی تضرعی خود را در مقابل وی خوار بشمارد، پرستندگان خدایی بیجان و بی حرکت را به وضوح به ریشخند می گیرد (۱-پادشاهان ۱۸:۲۷، ۳۰-۳۶).



«عیسی گفت: هر آینه به شما می گویم این بیوه زن از جمیع آنها بیشتر انداخت» (لوقا ۳:۲۱ ر.ک. ۱-پادشاهان ۱۷:۱۲).

اشتیاق برای خدای خویش

در حقیقت زندگی و شخصیت ایلیا با عشقش نسبت به خداوند ارتباط نزدیکی دارد. او در مورد خوراک، راحتی و امنیتش اعتماد و اطمینان کامل به خداوند دارد. *ایلیا از نهر کریت می نوشد و کلاغها او را می پرورند* (۱-پادشاهان ۱۷:۴-۶). بیوه زنی فقیر و بی درآمد در سرزمینی بیگانه او را در خانه خویش جای می دهد (۱-پادشاهان



می کند که در پاسخ این بی دینی مجازات الهی یعنی خشکسالی و قحطی را شاهد خواهند بود (۱-پادشاهان ۱۸: ۵-۷). پس پادشاه مبادرت به مسافرتی در داخل کشور می نماید تا موقعیت را بررسی کرده و در صورت امکان راه حلی بیابد. در پایان باب ۱۸ (آیه های ۴۰-۴۵) ایلیا که دیگر مبارزه ای با آخاب ندارد باریدن قریب الوقوع باران را به وی نوید می دهد و باران حقیقتاً باریدن می گیرد. در این ضمن صحنه عجیب کوه کرمل نیز اتفاق می افتد که ایلیا به تنهایی با ۴۵۰ نبی بعل که آنان را به مبارزه می طلبد مقابله می کند.

قربانی ایلیا بر کوه کرمل

(۱-پادشاهان ۱۸: ۲۰-۴۰)

ایلیا در این متن مشهور همچون «قهرمان خداوند» ظاهر می شود. اما خواننده حاضر مضطرب و مبهوت از کشتار ۴۵۰ نفر به نام ایمان به خدای یکتا از خود می پرسد که این همه خشونت برای چیست؟

چهارچوب متن

در قرن ۹ پیش از میلاد می باشیم و آخاب، پادشاه بنی اسرائیل است. او با زنی از اهالی فنیقیه به نام ایزابل ازدواج کرده است. ایزابل در واقع دختر پادشاه صیدون کاهن بعل می باشد (۱-پادشاهان ۱۶: ۳۰). این پیوند بیشتر پیوندی سیاسی است تا پیوندی مذهبی. این ازدواج را باید در زمره پیوندهایی قرار داد که به خاطر مصالح کشوری و سیاسی صورت گرفته اند، در آن زمان کشورهای کوچک سعی داشتند با بازی پیوندها در مقابل امپراتوری آشور که آنان را تهدید می کرد مقاومت نمایند. به نظر می رسد که آخاب تحت نفوذ زنش ایزابل قرار داشت و ایزابل دسته «کاهنانش را که بر سفره وی می نشستند» و در نتیجه ساکن قصر بودند به همراه آورده بود و پادشاه او را در اعمالش آزاد گذاشته بود.

پادشاه که شریک جرم جنایت ایزابل بود، اجازه می دهد تا انبیای خداوند را قتل عام کنند (۱-پادشاهان ۱۸: ۴) و در عین حال به شورتهای عوبدیا یکی از ترسندگان خداوند نیز گوش می کند. ایلیا نبوت

دو نوع طرز تفکر مذهبی

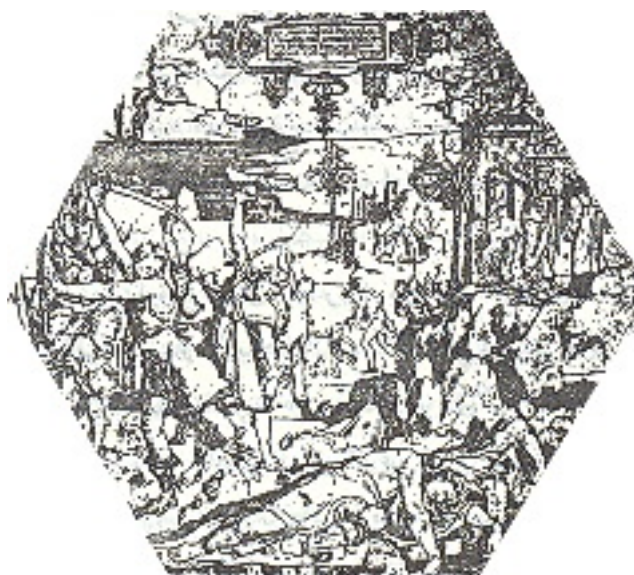
ایلیا دعوت به مبارزه می کند و دو قربانی سوختنی آماده می شوند. خدای حقیقی، آن خدایی است که با آتش جواب دهد و قربانی اش را بسوزاند. در حالی که انبیای بعل بیهوده بعل را از صبح تا عصر صدا می زدند، می رقصیدند، فریاد می زدند و حتی خود را مجروح و مضروب می ساختند؛ ایلیا با آسودگی مذبوح را تعمیر می کند و به تهیه و تدارک مقدمات کار می پردازد. او بی هیچ تردیدی مذبوح را با وجود خشکسالی سه مرتبه از آب پُر می کند.

دعای ایلیا که پس از این عمل آغاز می شود نه فریاد است و نه ارتباطی با دنیای غیب و ارواح دارد بلکه طلبیدن خدایی است که در تاریخ بشر از براهیم گرفته تا به امروز مداخله می کند. خدای اسرائیل پیش از این در حین خروج ثابت کرده که قومش را همراهی می کند؛ او به بیوه زن فنیقی هل صرفه ثابت کرد که نان و حیات را نیز خودش می دهد. حال با آتش ثابت خواهد کرد که همه چیز متعلق به اوست، تمام نعمتهای زمین و نیز تمام اقوام آن.

متن به خوبی ارزش دعای ایلیا را که در عین حال نوعی اقرار به ایمان است مشخص می سازد (آیه های ۳۶-۳۷). قتل عام انبیای بعل نه برکوه کرمل که مختص یهوه خداوند است، بلکه در پای کوه، نزدیک نهر قیشون صورت می گیرد. این عاقبت خونین، نوعی قربانی نیست بلکه نتیجه قابل انتظار مبارزه بین ایلیا قهرمان ایمان توحیدی بنی اسرائیل از یک سو و پادشاه که میل به اختیار کردن مذهب زنش را دارد از سوی دیگر است. هیچ تفسیر و توضیحی در توجیه این عمل وی داده نشده است. ما می دانیم

قربانی سوختنی کوه کرمل

یقیناً نتیجه این صحنه (آیه ۴۰) تفکر مذهبی مدرن ما را حیرت زده می کند. اما این آیه نتیجه واقعه ای است که تنش فوق العاده ای بر آن حکومت می کند، چون آنچه در این صحنه مطرح است بسیار حائز اهمیت بوده. در واقع این کار کشتاری بی جهت نیست بلکه نتیجه مبارزه ای است که چنانچه ایلیا در آن شکست می خورد به همان سرنوشت دچار می شد، البته این کار در آن زمان طبیعی بوده است. انبیا در این واقعه رو در روی هم قرار نمی گیرند بلکه این یهوه خداوند اسرائیل است که رو در روی بعل، رب النوع کنعانیان، خدایی که فرض می شد خدای حیات و باروری است و بنابراین جلودار قحطی و گرسنگی است قرار می گیرد. برای ایلیا لزوم مبارزه روشن است، مبارزه ای به منظور اثبات این واقعیت که بعل خدای حقیقی نیست.



قربانی کوه کرمل و کشتن انبیای دروغین بعل.

معجزات ایلیا و الیشع

منظور روایات عامیانه از حکایت معجزات ایلیا و الیشع اثبات این حقیقت است که خداوند بنی اسرائیل جان می بخشد و نه بعل؛ و نیز به تصویر کشیدن حواشی زندگی انبیا. خداوند و نبی اش در این روایت رابطه ای تنگاتنگ دارند تا حدی که این معجزات، عمل مشترک هر دو می باشد.

ایلیا

ایلیا بیوه زن صرفه ای را سیر می کند (۱-پادشاهان ۱۷:۸-۱۶) مکانی که این واقعه در آن رخ داده اهمیت بسزایی دارد. صرفه شهری از سرزمین صیدون است (سعیدیۀ کنونی)، در نتیجه متعلق به خدای بعل می باشد و نه خدای بنی اسرائیل. به قدرت خداوند توجه نمایید: او خشکسالی را حتی به خارج از محدوده سرزمین خود می کشاند و از کسی که برگزیده همانند بیوه زن صرفه ای در آن خشکسالی حمایت می کند و غذای مورد احتیاجش را به وی می رساند، تقریباً همانگونه که در بیابان من را به بنی اسرائیل می رساند. سخن ایلیا مهم است چرا که کلام خداوند می باشد پس اطاعت از ایلیا در واقع دریافت حمایت خداوند است. ایلیا کار بیوه زن را تأیید می نماید: به طوری که گفتی عمل بکن، اما خود نیز شخصاً اضافه می کند: «زیرا که بیوه خدای اسرائیل چنین می گوید» تا نشان دهد که از سوی خداوند فرستاده شده است. معجزه دریافت خوراک حین قحطی و گرسنگی نتیجه اطاعت از کلام ایلیا و در نتیجه اطاعت از کلام خداست.

که تا همین اواخر چنین عملی حتی در اروپای غربی نیز مورد سرزنش نبود چرا که تعلیم سیاسی کلاسیک، پیروی از دین و آیین پادشاهی که بر مسند قدرت بود را اگر شده حتی با توسل به زور می طلبید.

حماسه ایلیا بین چهار راه مبارزات مذهبی و سیاسی عصر خود قرار دارد که ایلیا نقش فعالی در این مبارزات ایفا می کند و ایمانش به خدای حی که بر پدران کلیسا آشکار شده، همانند امیدش به بازگشت بنی اسرائیل به سوی خدا، ما را مجذوب می سازند □

قربانی سوختنی ایلیا از دیدگاه مار اپرم قدیس (وفات ۳۷۳م.)

ایلیا با گذاراندن قربانی سوختنی بر کوه کرمل مراسم بیهوده کاهنان بعل را منسوخ کرد و به وضوح قربانی عمانوئیل بر جلجتا را نشان داد، این همان قربانی است که خود عیسی مسیح توسط آن به یکباره قربانی حیوانات را که مشرکین و قوم موسی تقدیم می داشتند باطل نمود.

آتش خداوند فرود آمده قربانی سوختنی، هیزم، سنگها، خاک و حتی آب درون خندق دور مذبح را بلعید (آیه ۳۸). ایلیا تو با فرزاندگی تمام عمل نمودی و خوب کردی که با آتش خود حتی سنگها را مشتعل ساختی و هیزم را سوزاندی تا به دیوانگی آنانی که از چوب خدایی تراشیده اند پایان دهی و گاو نر را نیز سوزاندی تا ایشان آن را نپرستند.

الیشع

معجزهٔ روغن (۲- پادشاهان ۴: ۱-۷)

این روایت، معجزهٔ ایلیا با آرد و روغن را در اذهان تداعی می‌کند (۱- پادشاهان ۱۷: ۸-۱۶). اما در اینجا موضوع قحطی در بین نیست و مسئله مربوط به قرض و بدهکاریست. طلبکاری می‌خواهد دو پسر زن بدهکاری را بر طبق شریعت به بندگی برد (خروج ۲۱: ۷). الیشع آنقدر روغن به این زن می‌دهد که هم قرضش را ادا نماید و هم خود و پسرانش از باقیمانده گذران کنند. توجه داشته باشید زمانی که معجزه رخ می‌دهد لیشع حضور نداشت بلکه قدرت و توانایی خداوند به تنهایی عمل می‌کند چرا که الیشع آن را اعلام نموده بود.

پسر زن شونمی (۲- پادشاهان ۴: ۸-۳۷)

در ادامهٔ این روایت داستانهای دیگری نیز نقل می‌شود که یادآور ماجراهای دیگری است. بدو همان معجزهٔ ایلیا (۱- پادشاهان ۱۷: ۱۷-۲۴) و نیز وعدهٔ داشتن پسری که به این زن شونمی داده می‌شود وعدهٔ داده شده به سارا زوجهٔ ابراهیم را به یاد می‌آورد (پیدایش ۱۸: ۱۰). همچون معجزهٔ ایلیا، این پسر نیز به لطف و برکت دعا و تماس بدن نبی به زندگی باز می‌گردد، اما این روایت تفاوتی نیز با معجزهٔ ایلیا دارد: پس از هفت بار عطسه کردن نفخهٔ حیات به پسر باز می‌گردد و الیشع او را به زن نمی‌دهد بلکه خود زن به جستجوی وی می‌آید. واقعه‌ای که بار دیگر قدرت خداوند توسط پیامبرش در آن تأیید می‌شود.

ایلیا پسر بیوه زن را زنده می‌کند (۱- پادشاهان ۱۷: ۱۷-۲۴)

به قدرت و توانایی خداوند در سرزمین بعل توجه کنیم، این قدرت تا به مرز مرگ و زندگی امتداد می‌یابد. در آیهٔ ۱۸ به نظر می‌رسد که بیوه زن مرگ پسرش را تنبیه الهی می‌داند. ایلیا نیز به پیروی از همین اعتقاد می‌گوید: «ای یهوه خدای من آیا به این بیوه زن... بلا رساندی و پسر او را کشتی؟» خداوند با معجزه‌ای پاسخ می‌گوید، او جان پسر را به وی باز می‌گرداند. این رستاخیز به زن نشان می‌دهد که ایلیا بانی خیر است و از قضاوت اولیهٔ خود باز می‌گردد تا آنجا که بیوه زن که معتقد به بعل می‌باشد به قدرت خداوند اقرار کرده و پی به توانایی ایلیا می‌برد: «الان از این ناستم که تو مرد خدا هستی».

«ایلیا پسر را گرفته او را از بالاخانه به خانه به زیر آورد و به مادرش سپرد و ایلیا گفت ببین که پسر زنده است».

(۱- پادشاهان ۱۷: ۲۳)



«عیسی نزدیک آمده تابوت را لمس نمود و حاملان آن بایستادند پس گفت ای جوان تو را می‌گویم برخیز» (لوقا ۷: ۱۴).

آیه های ۱ تا ۹ حکایت می کنند که چگونه نعمان پس از دیدن ناتوانی او پادشاه سوی الیشع رو می آورد و از او کمک می خواهد. نتیجه شفا ایمان است: «الان دانستم که در تمامی زمین جز در اسرائیل خدایی نیست.» اگرچه نعمان، از طریق اطاعت سخت از دستورات نبی شفا یافته بود اما به واقع تنها قدرت خدا منشأ این شفاست. به همین جهت الیشع از قبول هدایای نعمان به منظور تشکر امتناع می ورزد؛ خدا به تنهایی او را شفا داده است □

آب شور،
آش مسموم (۲- پادشاهان ۲: ۱۹-۲۲؛ ۴: ۲۸-۴۱)
منظور از حکایت این روایات بیان قدرت خداوند و نیز تأیید این مطلب است که الیشع پیامبر خداوند می باشد. قدرت یهوه بوسیله نمک و طبق گفته الیشع آب را پاک نمود. تصفیه غذایی مسموم نیز به همین منظور انجام گرفت به اضافه اینکه جنبه ای تعلیمی هم داشت. الیشع حقیقتاً در مقابل دیدگان پسران انبیا آش را پاک و قابل خوردن نمود.

تکثیر نان (۲- پادشاهان ۴: ۴۲-۴۴)

این روایت وجوه تشابه بسیار با روایت تکثیر نان در اناجیل دارد. عدم تناسب مواد خوراکی با تعداد زیاد خورندگان آن قابل توجه است. در این روایت ۲۰ نان برای ۱۰۰ نفر در نظر گرفته شده است اما در اناجیل تعداد نانها خیلی کمتر و تعداد افراد به مراتب بیشتر می باشد. الیشع از توانایی خدایش که به فراوانی عطا می کند مطمئن است. همانگونه که نان و روغن فراوان به بیوه زن داده شد در اینجا نیز غذا زیاد می آید.

شفای نعمان جذامی (۲- پادشاهان ۵: ۱-۱۶)

در این روایت یک بار دیگر، قدرت الیشع بر زندگی دیگران تأیید شده است. این بار قدرت وی برای مردی مشرک و بیگانه که سردار لشکر شمن اسرائیل است به کار گرفته می شود. قدرت خداوند حد و مرزی نمی شناسد؛ به علاوه مشرکین نیز می توانند با مشاهده کار خداوند به قدرت خدای اسرائیل پی ببرند.

شروع تاریخچه پیامبران

۱۰۰۰	داود با سموئیل نبی سلیمان
۹۳۱	تفکیک اسرائیل (شمال) و یهودا (جنوب)
۸۷۴-۸۵۳	آخاب پادشاه اسرائیل مأموریت ایلیا و الیشع
۷۴۰	دعوت اشعیا
۷۳۶	میکاه نبی
۷۲۱	تبعید اسرائیل
۶۳۰	صفنیا
۶۲۷	دعوت ارمیا
۶۱۲	ناحوم
۵۸۷	تبعید یهودا
۵۷۳	رویای حزقیال
۵۵۰	کتاب تسلی اشعیا
۵۳۸	کورش کبیر و بازگشت یهودا از تبعید

همسرش به سراغش می‌آید. باید توجه داشت که آخاب با زنی بیگانه و پرستندهٔ بعل ازدواج کرده بود که شریعت را نمی‌شناخت و برای گرفتن ناکستانی که شوهرش طمع کرده بود در تخطی و تجاوز از قانون و سنگسار کردن نابوت هیچ تردیدی به خود راه نمی‌دهد.

مداخلهٔ ایلیا

نبی مجبور به افشای جنایت و دادن فتوا می‌شود: «قتل نمودی؛ تو خواهی مرد و خاندان پدرت عمری نابود خواهد شد مثل آن دو خاندان قبل ز خود (خاندان یربعام و بعشا). بنابراین پادشاه توبه می‌کند و خود را فروتن می‌سازد پس مجازات به سالها بعد موكول شده و بلا بر دیگری یعنی بر سر پسرش می‌آید. در متون قدیمی فرد شریک مسئولیت و مجازات گروهی است که به آن تعلق دارد. این وابستگی و تعلق بین نسلا در احکام دهگانه نیز تأیید شده است (خروج ۲۰:۵؛ تثنیه ۹:۵). موعظهٔ نبی باعث تغییر این مفهوم می‌شود. این موعظه با تأکید بر فردیت، اصول کهن را تصحیح می‌نماید (خروج ۲۰:۱۸؛ تثنیه ۱۶:۲۴).

چه نتیجه‌ای می‌توان از این متن گرفت؟

داستان این زوج، آخاب و ایزابل خطر ازدواج با زنان بت پرست که خدا را نمی‌شناسند به خوبی نشان می‌دهد (البته اگر ایشان به خدای اسرائیل ایمان آورده باشند مثل روت موآبیه در آن صورت استثناء است). شتبه آخاب در اینجاست که خود را در اختیار زنش ایزابل قرار داده ست. داستان نابوت انعکاس فریادی است که در تمام کتاب مقدس

پیامبر و قدرت

(۱- پادشاهان ۲۱؛ ۲- سموئیل ۱۲)

«نابوت تا کستانی داشت. آخاب پادشاه که از آنجا می‌گذشت...» داستانی از همسایگی با باغ سبزی کاری پادشاه، برای بیان این مطلب که حتی قدرت و توانانی پادشاه نیز محدودیتهایی دارد. انبیا بی‌وقفه یادآوری می‌کنند که خداوند تنها پادشاه تاریخ است.

قتل يك عادل

آخاب پادشاه برای تبدیل تا کستان همسایه اش به باغ سبزی کاری و بسعت بخشیدن به باغ سبزی کاری خود مصمم است اما نابوت این پیشنهاد را نمی‌پذیرد. از نظر انسان امروزی مقاومت در برابر ظلم و تجاوز امری شرعی و قانونی است اما برای نابوت موضوع کاملاً متفاوت است: «حاشا بر من از خداوند که ارث اجداد خود را به تو دهم». حاشا و کراهت در کتاب مقدس هنگامی به کار رفته که امری مخالف شریعت خدا بوده است. باری شریعت وابستگی به میراث پدری را ضروری می‌سازد و دلیل آن را چنین بیان می‌کند: «در این سال یوبیل هر کس از شما به ملک خود برگردد» (لاویان ۲۵:۱۳).

نابوت مردی عادل است و به جا آوردن شریعت خدا برای وی مهم تر از انجام معامله‌ای با پادشاه می‌باشد. آخاب که شریعت را می‌شناخت دلیل نابوت را درک می‌کند به خانه خود باز می‌گردد و می‌خواهد. ایزابل،

پیامبر و قدرت در عهدجدید

در زمان عیسی بسیاری از یهودیان می‌پنداشتند یحیی تعمید دهنده همان ایلیاست که بازآمده. هیروودیس آنتیپاس این را می‌دانست اما همچون آخاب برخلاف شرع با زن برادرش پیمان زناشویی می‌بندد و یحیی برای این کار او را سرزنش می‌نمود. درباریان به دلیل برپایی آیین شرک به نوعی بت پرستی گراییده بودند. هیروودیس نیز چون آخاب تن به خواسته زنش می‌دهد و سر یحیی را از تن جدا می‌سازد. پیامبر می‌میرد اما هیچ پیامبر دیگری برای اعلام داوری خدا مداخله نمی‌کند.

سپس عیسی می‌آید. اما عیسی به جای اعلام بی‌عدالتی به قربانیان بی‌عدالتی توجه می‌کند. جمعیت را سیر می‌کند، بیماران و معلولین را شفا می‌دهد، طردشدگان جامعه را می‌پذیرد. بر طبق تعلیماتی که می‌دهد زندگی می‌کند و تمامی این اعمال صاحب منصبان را می‌آزارد. نظر به این که بسیاری از مردم این شخص را پیامبری تازه یا حتی مسیح می‌دانستند پیلاتس تصمیم روسای یهود مبنی بر مرگ این مزاحم را می‌پذیرد.

ایلیا می‌گفت: «تا به کی در میان دو فرقه می‌لنگید؟» ما که ایمان داریم مسیح رستاخیز نموده تا به کی در پذیرفتن این حقیقت که او یگانه خداوند زندگی ماست تردید خواهیم داشت؟ □

بی‌پیچد: هر که در حق ناتوانی بی‌عدالتی کند به خداوند بی‌حرمتی کرده و جنایت او بی‌قصاص نمی‌ماند. اما دعا و روزه و آیین توبه می‌تواند خداوند را بر سر رحم و شفقت آورد (حزقیال ۱۸: ۲۱).

داود و ناتان نبی (۲- سموئیل ۱۲)

روایت نابوت وجوه تشابه فراوان با روایت خطای داود دارد. ایلیا مانند ناتان پیام مهمی برای آخاب و جانشینانش دارد: سلطنت از مشیت الهی نمی‌تواند بگریزد و یا در مقابل خداوند، تنها خدای اسرائیل، پرده پوشی نماید. چنانچه شاه قدرتی دارد آن قدرت از سوی خداست؛ پادشاه هیچ اختیاری در میراندن و زنده کردن ندارد. او تنها باید به یاد داشته باشد کسی که حق ناتوانی را ضایع سازد در واقع همانند کسی است که قتلی مرتکب شده باشد، این عمل چیزی بیش از بی‌عدالتی است، جنایت است.

شباهتهای این دو متن بی‌جهت نیست. داود بر زن اوریا طمع می‌ورزد همانطور که آخاب طمع بر تاکستان نابوت دارد و این بر خلاف شریعت خداست. در هر دو مورد از حقوق پادشاهی سوءاستفاده می‌شود و نامه‌ای رقص نوشته می‌شود تا بی‌گناهی به قتل برسد و جنایتی کتمان شود. پس ز آن داود زن اوریا را می‌گیرد و آخاب تاکستان را. سپس نبی حاضر می‌شود و حقیقت را روشن می‌سازد. پس آخاب و داود روزه می‌گیرند و بر خاک می‌خوابند. التماسشان شنیده می‌شود و مجازات بر پسرانشان واقع می‌شود. با وجود این، نسل داود گزند نمی‌خواهد یافت چرا که خدا به وعده خود وفادار است.



از افسردگی به سوی اتحاد کامل با خدا

طی طریق در بیابان (۱- پادشاهان ۱۹: ۱-۸)

آخاب ایزابل را از آنچه ایلیا کرده و چگونه جمیع انبیا را به شمشیر کشته بود خبر داد و ایزابل رسولی نزد ایلیا فرستاده گفت خدایان به من مثل این بلکه زیاده از این عمل نمایند اگر فردا قریب به این وقت جان ترا مثل جان یکی از ایشان نسازم.

ایلیا از کوه کرمل که در آن بر ۴۵۰ نبی بعل توفیق یافته بود بازگشت، اما توفیقش طولی نینجامید. آخاب پادشاه تمام جریان کوه کرمل بخصوص مرگ انبیای بعل را برای زنش حکایت می کند. اما ایزابل تنها به مرگ انبیایش توجه دارد و فراموش می کند که خود نیز قبلاً انبیای خداوند را کشته است پس برای ایلیا که حال تبدیل به دشمن شخصی او گشته پیام آور مرگ را می فرستد.

چون او این را فهمید برخاست و به جهت جان خود روانه شده به بئر شمع که در یهودا است آمد و خادم خود را در آنجا وا گذاشت و خودش سفر یک روزه به بیابان کرده رفت و زیر درخت اردجی نشست و برای خویشتن مرگ را خواسته گفت ای خداوند بس است جان مرا بگیر زیرا که از پدرانم بهتر نیستم و زیر درخت اردج دراز شده خوابید.



«فرشته ای از آسمان بر عیسی ظاهر شده او را تقویت می نمود».
(لوقا ۲۲: ۴۳)

ایلیا بلافاصله در مقابل تهدید به مرگ عکس العمل نشان می دهد. از حضور پادشاه و قوم می گریزد؛ حتی خادمش را نیز ترک می کند. تمام سرزمین موعود را پشت سر می گذارد و حکومت یهودا را ترک می کند. همچون اجدادش وارد بیابان خروج می شود و ناامیدی را تجربه کرده، رنج خود را با خدا در میان می گذارد. می خوابد، همانطور که در مورد مرده ها می گویند گویی که مردن را تقلید می کند. او مرگ دشمنش ایزابل را نمی خواهد بلکه مرگ خود را آرزو دارد. از مرگی که ایزابل وعده داده فرار می کند اما در ناامیدی مرگ را می پذیرد به شرط آنکه از سوی خدا باشد.

اینک فرشته او را لمس کرده به وی گفت: «برخیز و بخور!» و چون نگاه کرد اینک نزد سرش قرصی نان بر ریگهای داغ و کوزه از آب بود. پس خورد و آشامید و بار دیگر خوابید.

پیام آوری ایلیا را لمس می کند، این رویا یا وهم نیست بلکه حقیقت محض است: «بخور». آب و نان وسیله گذاران زندگی. سپس او می خوابد اما خوابش رنگی دیگر دارد: جان من سیر خواهد شد چنانکه از مغز و پیه... زیرا تو مددکار من بوده ای (مزمور ۶۳: ۸). کلام زندگی و عطیه زندگی پیامی است که از سوی خدا آمده است.



«فرشته خداوند بار دیگر برگشته ایلیا را لمس کرد و گفت برخیز و بخور زیرا که راه برای تو زیاد است. (۱-پادشاهان ۱۹: ۷)»



گذر از زندان مردگان به سوی اتحاد کامل با پدر

در خون و آتش

۴۵۰ پیامبر بعل که سرشان از تن جدا شد، ۲ دسته ۵۰ نفری مأموران پادشاه که به آتش آسمانی سوختند و نیز ۱۰۰۰۰۰ آرامی که قتل عام شدند و... شخصیت ایلیا که از ورای این روایتها ترسیم می شود مطابقت چندانی با تفکر ما از یک مرد خدا ندارد!

متون خونین

باید اقرار کرد که چنین خشونت مرگباری همانند دیگر متون نبوتی که با تفکر قرن بیستم چندان مطابقتی ندارند ما را متعجب می سازد.

تو ای پسر انسان، نبوت کن و دستهای خود را

به هم بزن!

و شمشیر دفعه سوم تکرار بشود،

شمشیر مقتولان است...

شمشیر برنده به ضد همه دروازه های ایشان

قرار دادم. (حزقیال ۲۱: ۱۴، ۱۵)

زیرا که آن روز، روز انتقام خداوند یهوه صبا یوت می باشد

که از دشمنان خود انتقام بگیرد.

پس شمشیر هلاک کرده سیر می شود.

و از خون ایشان مست می گردد (ارمیا ۴۶: ۱۰).

یا این آیه های (۸-۹) از مزمو ۱۳۷ که بسیار معروف می باشند:

فرشته خداوند بار دیگر برگشته او را لمس کرد و گفت: «برخیز و بخور زیرا که راه برای تو زیاده است». پس برخاسته خورد و نوشید و بقوت آن خوراک چهل روز و چهل شب تا حوریب که کوه خدا باشد رفت.

چرا پیام آور باز می گردد؟ انسان محتاج وقت است تا درک کند و بفهمد که او فرشته خداوند است؛ و آب و نانی که می دهد برای بلند شدن و رفتن می باشد، تا بیابان دیگر محلی برای مرگ نباشد، بلکه راهی به سوی کوه پیمان، راهی به سوی خداوند.

همه چیز برای ملاقات آماده است پیامهای مرگ و زندگی هر دو راه به یک هدف دارند: کوه خدا. ترس از مرگ و سپس خوراک معجزه آسا ایلیا را به حوریب می رسانند، به حضور خدا، در آنجا در سکوت صدای خدا جان تازه به پیامبر می بخشد



«خداوند در باد نبود و بعد از باد زلزله شد اما خدا در زلزله نبود و بعد از زلزله آتشی اما خدا در آتش نبود و بعد از آتش آوازی ملایم و آهسته و چون ایلیا این را شنید روی خود را به ردای خویش پوشانید» (۱- پادشاهان ۱۹: ۱۱-۱۳).

زبانی حقیقی و توانا

در کتاب مقدس در صورت ذکر مبارزه با نیروهای شریر، خواه درونی خواه بیرونی، که با خدا مخالفت دارند، توسل به کلمات جنگی همچون شمشیر، کشتار، خون، قتل عام بی هیچ تردیدی صورت می گیرد؛ جمله بر صخره زدن اطفال دشمن جمله ای عادی است.

خشونت وجود دارد. آن را با حجابی عفیف نمی پوشانند بلکه با آن روبرو می شوند. سعی می کنند بر آن چیره شوند و در جهت خدمت به خدای انتقام گیرنده « به کارش گیرند خدایی که در عین حال «خدای ملاحظت و شفقت» نیز می باشد خدایی که اغلب به او متوسل می شوند.

خشونت عشق

خشونت را در تمام کتاب مقدس می توان یافت چرا که خشونت تصویر مبارزه زندگی علیه مرگ می باشد؛ مبارزه زندگی که خداوند خواهان آن است مبارزه علیه مرگ که منکر آن است، می باشد. خشونت تجسمی است از میل شدید به متعلق بودن به قوم خدا و مبارزه با هر آنچه باعث جدایی از این قوم می باشد. و باز استعاره و تصویری است از عشق و محبت خدا که همچون باغبانی دلسوز شاخه های زائد و اضافی تاکستانش را می برد و هرس می کند تا میوه خوب به بار آورد.

اغلب کسانی که مفهوم این تصاویر خون و جنگ را درک نمی کنند بهد عتیق، کتاب خدایی خشن، را در برابر عهد جدید، کتاب خدای عشق، قرار می دهند و تا آنجا پیش می روند که یهوه صباپوت را نیز رودر روی بیسی قرار می دهند. این الهیات بدفرجام وقتی به کل ریشه کن می شود که

ای دختر بابل که خراب خواهی شد...
خوشابه حال آنکه اطفال تو را بگیرد
و ایشان را به صخره ها بزند!

متون خونینی که به دلیل القای ناراحتی از مطالعه و تفسیر آنها خودداری می شود.

خشونت مستتر ما

حقیقتاً ما در حال حاضر در نوعی حالت گسستگی مرموز (Schizophrenie) به سر می بریم. این گسستگی بین خشونتی مبتذل که تلویزیون روز بروز آن را رواج می دهد و نوعی نهایت ارزش نهادن ذهنی و عاطفی به عدم خشونت، یعنی رد هر گونه اعمال خشونت آمیز که گاهی تا حد بی قیود و باری می رسد، وجود دارد. اما چنانچه انسان برای انسان گرگ باشد؛ گرگی است با پوزه بند که راههای دیگری برای قتل می شناسد؛ او با تحقیر، بی تفاوتی، میل شدید به پول مرتکب قتل می شود... و بدین طریق خون قربانیانش نیز او را آزرده خاطر نمی سازد.

در عصر کتاب مقدس کمترین ارزش منفی برای خشونت قائل نبودند. بلکه آن را طبیعی می دانستند، تنها ظلم بیش از حد و غیر قابل تحمل را محدود می کردند. اما وقتی بپذیریم که زندگانی آن دوره خشن تر از امروز بوده و نیروهای انتظامی کنونی بر محیط حاکم نبود، باید از تفسیر ادبی متون کتاب مقدس نیز پرهیزیم چرا که امکان دارد فریب زبانی که زبان ما نیست ولی واقعیتهای تمام اعصار را نقل می کند بخوریم.

الیشع وارث

ایلیا و الیشع از مردم حکومت شمال در قرن نهم می باشند. آنها در کوه کرمل، سامره و اردن مشغول مبارزه با عهد و پیمان شکنی که پادشاه نیز گرفتار آن می باشد، هستند. پس از آن که ایلیا ناگهان مانند صاعقه ای در آسمانها ناپدید شد، می توان الیشع را از ورای حکایت‌های متعدد کتاب پادشاهان به نحو بهتری شناخت.



«چون پسران انبیا که روبروی الیشع در اریحا بودند اورادیدند گفتند روح ایلیا بر الیشع می باشد»
(۲- پادشاهان ۱۵:۲).

یادگیریم چگونه از ورای این صفحات منحرف کننده، همان کلمات پرتوقع و ملاحظت هوشع یا اشعیای ثانی یا پولس یا دیگران را بخوانیم. این همان ایلیایی است که غیرتی (خونین) برای یهوه صباوت داشت و توانست درک کند که خداوند نه در گرد باد است؛ نه در زمین لرزه و نه در آتش بلکه خداوند با سکوت در قلبمان سخن می گوید □



قربانی ابراهیم، اثر رامبراند

مسح شده به جای ایلیا

الیسع سرسلسله فرستادگان خدا است. اصطلاح «مسح کردن به جای» (۱-پادشاهان ۱۹:۱۶) نشانه ادامه یافتن سلسله ای است و در اینجا گشایش سلسله انبیا را نشان می دهد که مأموریتشان اعلام کلام خداوند خواهد بود تا قوم را حیات بخشند. در دوم پادشاهان ۲:۳-۵ الیشع با «پسران انبیا»، انبیای برادری که در بیت ثیل یا اریحا بودند سخن گفت و آنان را تعلیم داد. برعکس ایلیای منزوی، الیشع در تماس با جمعیت انبیا زندگی می کرد.



«الیسع گاوها را ترک کرده از عقب ایلیا دوید و گفت بگذار که پدر و مادر خود را ببوسم و بعد از عقب تو آیم. او بی را گفت برو و برگرد... برخاسته از عقب او رفت» (۱-پادشاهان ۱۹:۲۰-۲۱).
«بی تأمل دامهای خود را گذارده از پی او روانه شدند» (مرقس ۱:۱۸).

معجزه گر حقیقی

الیسع حامل قدرت حیات و شفای خداوند است. ایمان به خدای ماجرای خروج از مصر در زندگی روزمره، در تلاش برای معاش، در سلامتی و امنیت احیا می شود. وساطت های بی شمار الیشع به روشنی نشان می دهد خدایی که بنی اسرائیل را از مصر رهایی داده همواره در زندگی قومش حضور دارد



(۲-پادشاهان ۲:۱۹-۲۲؛ ۳:۲۰؛ ۴:۳-۶، ۳۵، ۴۱، ۴۴؛ ۷:۱۴؛ ۱۷:۱۸). تا آنجا که به پادشاه نصیحت می کند به جای کشتن اسرای دشمن، آنان را غذا دهد (۶:۱۸-۲۳).

«نعمان سربانی که به جذام مبتلا بود تا به اردن فرود آمده هفت مرتبه به موجب کلام خدا در آن غوطه ور خورد و گوشت او مثل گوشت طفل کوچک برگشته ظاهر شد» (۲-پادشاهان ۵:۱۴).

منظومه الیشع هشت باب از کتاب پادشاهان را در بر می گیرد:
۲-پادشاهان ۲ تا ۹. آغاز این منظومه به واقع از دعوت الیشع در (۱-پادشاهان ۱۹:۱۹-۲۱) می باشد و با مرگ وی در (۲-پادشاهان ۱۳:۱۴-۲۱) به پایان می رسد. کل این مجموعه بیانگر این مطلب است که الیشع تا چه حد وسیله ای در دست خداوند است و تا چه حد بر اعمال سرورش ایلیا دقت داشت و بر آنها صحه می گذاشت. جدول صفحه ۴۴ و ۴۵ این امکان را به ما می دهد تا نظری اجمالی بر روایتهای متعدد زندگی الیشع داشته باشیم.



شمایلی از سنت ارمنی نقاشی شده بر انجیل ۱۳۰۵ میلادی

۱- پادشاهان ۱۹	۱۹-۲۱
ایلیا، الیشع را به پیروی از خویش فرا می خواند	
۲- پادشاهان	
۲: ۱-۷ **	۱۴-۷
الیشع از ترک گفتن ایلیا خود داری می ورزد	
الیشع، ایلیا را می بیند که به آسمان برده می شود؛ اردن	
۱۵-۱۸ **	۲۲-۱۹
جستجوی بیهوده برای یافتن ایلیا	
الیشع نهر اریحا را پاک می سازد	
۲۳-۲۵	۲۵-۲۳
الیشع بچه ها را نفرین می کند؛ خرسها	
(۳-۱:۳)	
(نکاتی در باره یهورام اسرائیلی، پسر آخاب)	
۴-۲۷	۲۷-۴
لشکرکشی علیه موآب؛	
ایلیا پُر شدن خندق از آب و پیروزی را اعلام می دارد.	
۴: ۱-۷ **	۱۷-۸
الیشع روغن فراوان تقدیم بیوه زن می کند	
تولد پسری را به یک زن شونمی اعلام می دارد	
۱۸-۳۷	۳۷-۱۸
پسر مرده را زنده می کند	
۳۸-۴۱ **	۴۴-۴۲
آشی مسموم را پاک می سازد	
نانها را ازدیاد می بخشد	
۵: ۱-۲۷ **	۲۳-۸
نعمان را از جذام پاک می سازد و جیحزی به جذام مبتلا می شود	
آهن تبر را بر آب شناور می سازد	
۶: ۱-۷ **	۲۴-۳۳
لشکری از آرامیان راه اسیری گرفته سپس آزاد می سازد	
سامره محاصره می شود و قحطی بیداد می کند؛ الیشع	
تهدید به مرگ می شود	



مسیح با تعمید خود آبهای خلقت را تقدیس می کند.



راز تعمید در مرگ و رستاخیز مسیح ما را تقدیس می کند (رومیان ۶).

مشاور نظامی

الیشع مرتب به حضور پادشاه می‌رسد و در مورد فرماندهی لشکرها نظریاتش را ارائه می‌دهد (۱۳:۱۴-۱۹). از آنجا که از آینده آگاه است به اسرار شورای عالی دشمن واقف است و آنها را در اختیار پادشاه خود می‌گذارد. او پادشاهی حزائیل (۸:۱۲) و نیز آمدن فوجی مسلح از آرامیان و کوری معجزه آسای ایشان را (۶:۸-۱۸) پیش بینی می‌کند.

الیشع مردی که باعث بروز تغییرات می‌شود و شخصیت اصلی روایتهای متعدد است مردی واقعاً فعال می‌باشد: او پادشاهان و خاندان سلاطین را تغییر می‌دهد. نقشه خدا که در حوریب بر ایلیا آشکار شده بود توسط الیشع تحقق می‌یابد (۱-پادشاهان ۱۹:۱۶). با قدردانی از بیهوی غاصب، جانشینان عمری را که با جنایاتهای سیاسی و نیز بت پرستی شان پیمان را نقض می‌کردند از سلطنت محروم ساخت.

نقشه خدا توسط الیشع در تاریخ حکومت شمال ثبت شد. او اولین نبی است؛ البته پس از او انبیای دیگر چون عاموس، اشعیا، ارمیا خواهند آمد و بر تاریخ حکومتهای شمالی و یهودا تأثیر خواهند گذاشت □

۲۰-۱:۷	آزادی را اعلام می‌دارد؛ دشمن
۶-۱:۸	از محاصره دست می‌کشد
۱۵-۷	زن شونمی مهاجر، توسط پادشاه حمایت می‌شود
	الیشع پادشاهی را به حزائیل اعلام می‌کند؛ و بدین
(۲۹-۱۶)	علت گریه سر می‌دهد
۹-۱:۱۳ **	(نکاتی در باره یهورام یهودا)
	الیشع یک نبی برای مسح بیهو پادشاه اسرائیل
۳۷-۱۴	می‌فرستد
۱۹-۱۴:۱۳	بیهو پادشاهان یهودا و اسرائیل و ایزابل را می‌کشد
۲۱-۲۰	الیشع محتضر پیروزیهای یوآش را به وی اعلام می‌کند
	مرگ الیشع؛ او مردی را که در قبرش می‌گذاشته‌اند
	زنده می‌کند

توضیحات جدول:

- ۱- خطوط ایرانیک یا مورب غیبت الیشع را نشان می‌دهد.
- ۲- آیه‌هایی که زیرشان خط کشیده شده حضور الیشع خادم را نشان می‌دهد (که همیشه نیز نامش برده نشده است).
- ۳- این دو علامت ** بعد از آیه‌ها اشاره به حضور پسران انبیا دارد.
- ۴- خطوطی که پررنگ نوشته شده‌اند روایات جنگی را نشان می‌دهند.

ایلیا باید باز با آخاب، که سرمست از قدرت پادشاهی، سنتهای مذهبی خاص اسرائیل را تحقیر می کند و ابتدایی ترین اصل عدالت را با قتل نابوت زیر پا می نهد (۱-پادشاهان ۲۱) به مبارزه برخیزد. ایلیا شاه و ملکه را دزد و قاتل می نامد. او بی شک رابطه فسخ ناپذیر بین احترام به خدای اسرائیل و احترام به تک تک افراد را درک می کرد. این اصل بی شک ریشه نبوت در کتاب مقدس است، اصلی که در دو جز غیرقابل تفکیک احکام ده گانه بیان می شود. ایلیا این «مرد خدا» همانطور که در راه خدا، در راه حقوق بشر نیز مبارزه می کرد.

ایلیا، موسای جدید

مقایسه روایت موسی و ایلیا در حوریب (۱-پادشاهان ۱۹) بسیار جالب توجه است. ابتدا راه پیمایی ۴۰ روزه در بیابان (ر.ک به ۴۰ سال سفر خروج) با آب و نانی که به صورت معجزه آسا از سوی خداوند فراهم می شد (ر.ک به من و آب صخره). سپس تجلی خداوند بر کوه خدا و شاید حتی در مغاره ای (آیه ۹) که خداوند از مقابل آن گذشت (آیه های ۱۱-۱۳). تمام این حوادث یادآور تجربه موسی است هنگامی که در شکاف صخره پنهان شده بود (خروج ۳۳: ۲۰-۲۳). سرانجام و به طور خاصی این تجلی نقطه شروع و آغاز مأموریتی جدید برای سامان دادن به قوم می شود. نوعی خروج جدید از بت پرستی و زندگی در وفاداری به خدا.

اما زبان تجلی خداوند متفاوت است، حضور خداوند دیگر با بروز طوفان، زمین لرزه و آتش، چنانکه در صحرای سینا دیده شد همراه نیست

مرد خدا

بیهوشی صرفه ای ایلیا را «مرد خدا» می نامید. این عنوان کاملاً براننده ایلیاست چرا که او جز در ارتباطش با خداوند وجود خارجی نداشت. آیا نامش ایلی - یهو به مفهوم «خداوند خدای من است» نمی باشد؟ اهمیت ایلیا در چیست درحالی که کتاب مقدس حتی یک کتاب را نیز به وی اختصاص نمی دهد؟

یکی از اولین انبیا

خواننده کتاب مقدس با خواندن داستان ایلیا به سرمنشأ نبوت در سرائیل می رسد. روایات زندگی ایلیا باید خیلی سریع یعنی حدود سالهای ۸۰۰ ق.م. در حکومت شمال رایج شده باشند. حتی چنانچه این روایات در قرن ششم یا هفتم تحت تأثیر الهیات تشنیه بازنویسی شده باشند بر اهمیت ایلیا، نبی حکومت شمال و اورشلیم صحنه می گذارند. او را «پدر نبیا» می دانند چرا که روایات زندگی وی موارد اصلی مأموریت یک نبی یعنی مبارزه در راه ایمان و عدالت را توضیح می دهند.

در آن عصر، ایمان هنوز اقدامی شخصی و انفرادی نبود بلکه به تمام جامعه مربوط می شد و بستگی به قدرت پادشاهی داشت. ایلیا با آخاب پادشاه که اجازه می داد زنش ایزابل او را سوی بت پرستی سوق دهد مبارزه کرد. از نظر نبی مسئله مرگ و زندگی برای تمام قوم مطرح بود چرا که قوم نمی توانست مدتی طولانی بیرون از پیمان خداوند به زندگی ادامه دهد (۱-پادشاهان ۱۸).

(که آخرین کتاب انبیا می باشد): «اینک من ایلیای نبی را قبل از رسیدن روز عظیم و مهیب خداوند نزد شما خواهم فرستاد. او دل پسران را به سوی پدران و دل پدران را به سوی پسران خواهد برگردانید مبادا بیایم و زمین را به لعنت بزنم» (ملاکی ۴: ۵-۶).

ایلیا باید بازگردد، دین یهود به این امر ایمان دارد. بازگشت ایلیا به زمین نشان دهنده فرا رسیدن زمان آخر است، زمان داوری و رستاخیز. از نجایی که ایلیا نزد خداوند زنده است و حیات را به کودکی بازگردانده، شخصیت وی نقش مهمی در ایجاد و رشد ایمان به رستاخیز مردگان حداقل از قرن دوم قبل از میلاد ایفا کرده است. این یکی از دلایل محبوبیت او در جریانهای مختلفی است که برای جامعه یهود اتفاق می افتد؛ محبوبیتی که اناجیل نیز آن را تأیید می کنند □

(خروج ۱۹). حال این تجلی «درصدای سکوت» صورت می گیرد و به صورت صدایی در قلب انبیا شنیده می شود. این روایت به خوبی پیشرفت الهیات اسرائیلی را پس از قرن هشتم بیان می کند یعنی همان زمانی که عاموس، هوشع، اشعیا و میکا داشتند این تجربه را کسب می کردند که چگونه کلام خدا بی آنکه نمایشی از جلوه های الهی در کار باشد می تواند توسط انسانی ابلاغ شود. کلامی که می بایست به یکسان در قلب هریک از آنها پذیرفته شده باشد. این همان الهیات کتاب تثنیه است: «بشنوای اسرائیل... این کلام بسیار نزدیک است و در دهان و دل نواست تا آن را به جا آوری» (تثنیه ۳۰: ۱۴).

نبی آخر زمان

قرنها می گذرد، پادشاهان پس از تبعید قوم کم کم ناپدید گشتند. انتظار آمدن مسیح در زمان استیلای رومیان و یونانیان به وجود می آید، مسیحی که برای برپایی ملکوت خدا خواهد آمد. یهودیان انتظار داشتند که مسیح نیز همچون پادشاهان گذشته توسط یک نفر نبی مسح و شناسانده شود و چون نبی دیگری نبود بازگشت ایلیا را انتظار می کشیدند چرا که او نمرود بلکه به آسمان برده شده بود. بن سیراخ قبلاً در مورد این باور شهادت داده می نویسد: «تورا که در سرزنشهای (پایان) زمان برای فرو نشانندن چشم پیش از غرش آن، برای برگرداندن قلب پدر به سوی پسر و بازگرداندن نظم اسباط یعقوب (اسرائیل) رقم زده اند...» (بن سیراخ ۴۸: ۱۰).

این اعتقاد براساس نتیجه گیری پایانی کتاب ملاکی به وجود آمده بود

«ایلیا پیش از این آمده است»

اعتقاد به آمدن ایلیا پیش از آمدن مسیح به خوبی در اناجیل تأیید شده است. وانگهی، مردم نیز در هنگام ابراز نظر در مورد عیسی اغلب از نامهای ایلیا یا یک نبی دیگر یاد می کنند (مرقس ۶: ۱۵؛ ۸: ۲۸؛ یوحنا ۱: ۲۱، ۲۵). این اعتقاد مردمی، انتظار آمدن مسیح را که به خصوص در زمان سلطه رومیان، از سال ۶۳ ق.م جان تازه ای گرفته بود به خوبی نشان می دهد. اما عیسی تأکید دارد که ایلیای بازگشته نه او بلکه یحیی تعمید دهنده است: «الحال الیاس* آمده است و او را نشناختند بلکه آنچه خواستند با وی کردند... آنگاه شاگردان دریافتند که درباره یحیی تعمید دهنده با ایشان سخن می گفت» (متی ۱۷: ۱۰-۱۲؛ مرقس ۹: ۱۱-۱۳). و در جایی دیگر، پس از صحبت درباره یحیی گفت: «اگر خواهید قبول کنید همانست الیاس که باید بیاید» (متی ۱۷: ۱۲). وانگهی، مگر یحیی مثل ایلیا لباس نمی پوشید: لباسی از پشم شتر و کمربندی چرمی بر کمر (متی ۳: ۴ ر. ک ۲- پادشاهان ۸: ۱)؟

از نظر لوقا: عیسی، ایلیای نوین

لوقا نیز مانند متی و مرقس انجیلش را با معرفی یحیی تعمید دهنده به عنوان ایلیا، مبشر مسیح آغاز می کند. جبرائیل فرشته به زکریا اطلاع می دهد که پسرش یحیی در روح و قدرت الیاس پیش روی وی خواهد

* ایلیا (در ترجمه عهد عتیق) و الیاس (در ترجمه عهد جدید) هر دو نام یک شخص می باشند.

ایلیا و عیسی در اناجیل

یهودیان هم عصر عیسی چشم به راه ایلیا بودند تا باز گردد و آمدن مسیح را تدارک بیند. در حقیقت متون زیادی در اناجیل تأیید کرده اند که ایلیا در هیئت یحیی تعمید دهنده آمده است. اما لوقا این تفکر را که ایلیای نوین خود عیاست، القا می نماید. به چه دلیل؟



«ناگاه دو مرد یعنی موسی و الیاس با عیسی ملاقات کردند» (لوقا ۹: ۳۰).

وقایع دیگری نیز در زندگانی عیسی تداعی کننده ایلیا می باشند. برای مثال در مقابل اهالی روستایی درسامره که از پذیرفتن عیسی امتناع می ورزند یعقوب و یوحنا از وی می پرسند: «ای خداوند آیا می خواهی بگوئیم که آتش از آسمان باریده اینها را فروگیرد؟» عیسی ایشان را سرزنش می کند درحالی که ایلیا بر سر دشمنانش از آسمان آتش فرو ریخته بود (۹:۵۴؛ ر.ک ۲-پادشاهان ۱:۱۰-۱۲).

ایلیا چون الیشع را وقت شخم زدن دعوت کرده بود، پذیرفت تا قبل از: نبال نمودنش از والدین خود خداحافظی کند؛ اما در انجیل، ملکوت آسمانی توقعات بیشتری دارد: «خداوند! تو را پیروی می کنم لیکن اول رخصت ده تا اهل خانه خود را وداع نمایم. عیسی وی را گفت کسی که است را به شخم زدن دراز کرده از پشت سر نظر کند شایسته ملکوت خدا نمی باشد» (۹:۶۱-۶۲؛ ر.ک ۱-پادشاهان ۱۹:۱۹-۲۱).

در باغ جتسیمانی عیسی نامید همچون ایلیا در بیابان از فرشته خداوند قوت می گیرد: «فرشته ای از آسمان بر او ظاهر شده او را تقویت می نمود» (پس به مجاهده افتاده به سعی بلیغ تر دعا کرد) (۲۲:۴۳-۴۵؛ ر.ک ۱-پادشاهان ۱۹:۵-۷).

صعود عیسی و پنطیکاست

لوقا تنها انجیل نگاری است که از واقعه صعود عیسی سخن می گوید (۹:۵۱). عیسی از شاگردانش می خواهد برای دریافت روحش که آنان را شاهدان وی خواهد ساخت در اورشلیم باقی بمانند. «و چنین شد که در صین برکت دادن ایشان از ایشان جدا گشته به سوی آسمان بالا برده شد»

خرامید تا دلهای پدران را به طرف پسران بگرداند (لوقا ۱:۱۷، ۷۶). لوقا در ادامه انجیلش از یکسان دانستن مجدد آنها می پرهیزد (مانند یوحنا ۱:۲۱) و بالعکس، با توجه به اشارات فراوان عیسی را به عنوان ایلیای نوین معرفی می کند.

عیسی بلافاصله بعد از اولین سخنرانش در معبد ناصره توضیح می دهد که چرا بیرون از سرزمین خود معجزاتی انجام داده، او خود را با مشهورترین انبیا مقایسه می نماید. آیا ایلیا نزد بیوه زن صرفه ای که اهل فینیقیه بود فرستاده نشد؟ و آیا الیشع نعمان جذامی را که یک سریانی بود شفا نبخشید؟ (۴:۲۵-۲۷). این تنها موردی است که عیسی از ایلیا سخن می گوید، اما اشاره به باز شدن درها به سوی مشرکین به جهت اعلام انجیل برای لوقا به اندازه خوانندگان یونانیانی اش اساسی است.

معجزات و آیاتی همانند معجزات و آیات ایلیا

لوقا معتقد است که عیسی همان پیامبری است که انتظارش را می کشند. عیسی معجزات ایلیا و الیشع را تکرار می کرد، به خصوص معجزه جان بخشیدن دوباره به بچه ها، تنها مورد رستاخیز در عهد عتیق. عیسی در ناین به پسر بیوه زنی زندگی دوباره بخشید و او را به مادرش سپرد... نبی بزرگی در میان ما مبعوث شده (۷:۱۱-۱۷؛ ر.ک ۱-پادشاهان ۱۷:۱۷-۲۴). همچنین در موقع زنده کردن دختر یائیروس اصطلاح روح و برگشت دعای ایلیا را تداعی می نماید (۸:۵۵؛ ر.ک ۱-پادشاهان ۱۷:۲۱). آیا این دو «عمل حاکی از قدرت» نشانه ای از رستاخیز خود عیسی و نیز نشانه ای از قدرتش بر مرگ ما نبودند؟

گروههای مطالعاتی کتاب مقدس

مدیحه سرایی برای ایلیا و الیشع

پس از مطالعه منظومه های ایلیا و الیشع مطالعه مدایحی که بن سیراخ ۱۸۰ سال قبل از عیسی در مورد آنان سرانگاشته، خالی از لطف نیست:

«سپس ایلیا، پیامبری که چون آتش بود برخاست و سخن وی چون مشعلی می گداخت. آنان را به قحطی دچار کرد و به غیرتش از شمار آنان کاست. با سخن خداوند آسمان را بست و همچنین سه بار آتش را به زیر کشاند. ای ایلیا چگونه با شگفتی هایت خود را به افتخار رسانده ای! چه کسی می تواند مدعی باشد که چون تو باشد؟ تو که از مرگ، در گذشته ای را به سخن خداوند متعال از هاویه برخیزانندی، تو که شاهان را به ویرانه ای و مردان با نام و نشان را به بیرون بسترشان پرتاب کردی که در سینا سرزنش و در هاویه احکام عقوبت را شنیدی، تو که شاهان را برای اجرای عدالت و پیامبران را به جای خود مسح کردی، تو که با گردبادی از آتش در گردونه ای با اسبان آتشین ربوده شدی، تو را که در سرزنشهای زمانهای آینده برای فرونشاندن خشم پیشتاز غرش آن برای گرداندن قلب پدر به سوی پسر و بازگرداندن نظم قبایل یعقوب رقم زده اند. خوشا به آنان که تو را خواهند دید و آنان که در محبت درخواهند گذشت! زیرا ما نیز به تحقیق زندگانی خواهیم کرد. وقتی ایلیا در گردباد قرار گرفته بود الیشع به روح وی لبریز گردید. در این روزها هیچ رهبری وی را نلرزاند هیچکس وی را محروم نداشت. هیچ چیز برایش زیاد مشکل نبود و تا از پای درآمدنش پیامبری کرد. بهنگام حیاتش معجزات کرد و در مرگش اعمال شگفت انگیز بود.»

(بن سیراخ ۱:۴۸-۱۴)

کتاب بن سیراخ جزو کتابهای متأخر برحق می باشد.

باید متون مختلفی را که بن سیراخ گاه خیلی کوتاه و مختصر به آنها اشاره نموده پیدا کرد. متون مختلفی که ایلیا در آنها از «آتش» سخن می گوید کدامند؟ چرا کلام او به مشعل تشبیه شده است؟ از آنچه در مورد ملاقات با خدا در کوه حوریب سینا گفته شده چه می فهمیم؟
- امیدی که در این متن از آن یاد شده، چیست؟ آیا با توجه به

(۲۴:۵۱؛ ر.ک ۲-پادشاهان ۲:۶-۱۵). بزرگترین تفاوت میان عیسی و ایلیا در این است که عیسی مرگ را پشت سر گذارده و صعود او حماسه ای زیبا و پراحساس نیست بلکه حقیقتی محض می باشد: او زنده و در نزد پدر است.

این ردای عیسی نیست که به نشانه منتقل شدن روح او بر شاگردان می افتد بلکه خود روح القدس به صورت باد و زبانه های آتش در روز پنطیکاست بر آنان فرود می آید. روح خدا پیش از این ایلیا را می برد (۱-پادشاهان ۱۸:۱۲؛ ۲-پادشاهان ۱:۱۱، ۱۶) و آتش آسمانی که بنا به تقاضای وی فروریخته بود حضور خدا را نشان می دهند (۱-پادشاهان ۱۸:۳۸؛ ۲-پادشاهان ۱:۹-۱۴). از این به بعد، آتش روح که عیسی آن را بر زمین فروخته می تواند در تمام زمین منتشر شود (لوقا ۱۲:۴۹).

در روایت تبدیل هیئت، موسی و ایلیا که معرف شریعت و پیامبران هستند در کنار عیسی ظاهر گشتند تا فرا رسیدن زمانهای آخر و تحقق یافتن صُحف انبیا را نشان دهند. اما بعد ناپدید شدند و عیسی را تنها گذاشتند و صدایی اعلام کرد: *این است پسر حبیب من او را بشنوید!* (لوقا ۹:۳۰-۳۵)



یادداشتهایی برای تعمق

مطالعه منظومه‌های ایلیا و الیشع

منظومه‌های ایلیا و الیشع دو واحد بس صریح و دقیق می‌باشند. جذابیت و وقایع غیر مترقبه این دو کتاب می‌توانند علل مناسبی برای یک کار گروهی باشند. حال چند پیشنهاد برای آغاز این کار گروهی. کار انفرادی

در ابتدا پیشنهاد می‌کنیم هر فرد به تنهایی این دو منظومه را بخواند. افراد می‌توانند تنها یکی از این دو منظومه را مطالعه نمایند یا تنها چند روایت را به دلخواه انتخاب کنند. در حین مطالعه باید مبانی ایمان که هدف اصلی این روایتهاست و نیز تقویت و افزایش ایمان توجه کافی داشت. ذیلاً چند نمونه از این دعوتها که در روایتهای گوناگون تشریح شده اند نقل شده است.

- از نظر کسانی که به کتاب مقدس اعتقاد دارند خدا اجداد ایشان را از مصر رها نموده و اسرائیل را به عنوان قوم خدا برگزیده و با او عهد بسته است. پس اسرائیل نیز باید به این انتخاب پاسخ داده و خداوند را تنها عدای خود بدانند. خدایان غیر را کنار بگذارند، خدایانی که گاه بسیار فریبنده هستند اما در عین فریبندگی قادر به دادن حیات و نجات نمی‌باشد.

- عمل خداوند، خدای اسرائیل فقط به قوم خود محدود نمی‌شود چون او تنها خداوند است. پس قادر است در مورد اقوام غیر نیز وارد عمل شود و پادشاهان اقوام دیگر را نیز برگزیند یا خلع نماید.

توضیحات زیرنویسی شده کتاب مقدس می‌توان تعیین کرد در مورد کدام امید صحبت شده است؟ آیا این امید همان ایمان به رستخیز است؟

ارتباط بین منظومه‌های ایلیا و الیشع چیست؟

وجه تشابه این دو منظومه ما را بر آن می‌دارد تا از خود بپرسیم که هنگام نوشتن آنها آیا هیچ یک بر دیگری تأثیری داشته است؟ ذیلاً می‌توانید نظریه‌ی یکی از مفسرین کتاب مقدس را در این مورد بخوانید:

«امکان ندارد که روایتی چنین پرمحتوا مانند روایت ۲- پادشاهان ۴ (الیسع) از روایتی چنین کوتاه و مختصر مانند ۱- پادشاهان ۱۷ (ایلیا) مشتق شده باشد. به آسانی می‌توان عبور از روایت چهره‌ای معجزه گر را به روایت یک نبی سخن‌گوی خداوند توضیح داد؛ اما عکس آن امکان ندارد. تمام شواهد دلالت بر این نظریه دارند که روایت ۱- پادشاهان ۱۷ از روایت ۲- پادشاهان ۴ مشتق شده تا بدین وسیله محدودیتها و ضعفهای الهیاتی تصحیح شوند.»

در واقع این طرز تفکر وجود دارد که منظومه‌ی الیشع که از نظر الهیاتی کم محتواتر ولی با این حال مشهورتر است پیش از منظومه‌ی ایلیا نگاشته شده باشد. وقتی این دو منظومه در کتاب پادشاهان گنجانیده شدند و معجزه از معجزات الیشع به ایلیا نسبت داده شده تا بر هویت او به عنوان یک نبی سحیه گذارده شود، پیامبری که کلام خدا با تمام قدرتش در وی نمایان بود □

یادداشت‌هایی برای تعمق

رستاخیزهایی که ایلیا، الیشع و عیسی انجام دادند

در میان معجزات ایلیا و الیشع دو رستاخیز نیز به چشم می‌خورد. ایلیا پسر بیوه زن صرفه‌ای را به زندگی باز می‌گرداند (۱-پادشاهان ۱۷:۱۷-۲۴) و الیشع پسر زنی شونمی را زنده می‌کند (۱-پادشاهان ۴:۱۸-۲۱، ۳۲-۳۷). می‌توانید این دو رستاخیز را با هم مقایسه نمایید اما برای انجام این کار توصیه می‌کنیم که آنها را با دو رستاخیز انجام شده توسط عیسی نیز یعنی پسر بیوه زن نائینی (لوقا ۷:۱۱-۱۶) و دختر یائئیروس (لوقا ۸:۴۰-۴۲، ۴۹-۵۶ که در متی و مرقس نیز به آن اشاره شده است) مقایسه نمایید. می‌توان رستاخیز ایلعازر را در یوحنا ۱۱ نیز مطالعه کرد.

۱- رستاخیزهایی که ایلیا و الیشع انجام دادند
کارتان را با مطالعه دو روایت ایلیا و الیشع آغاز نمایید. می‌توانید این روایات را در سه مرحله تجزیه و تحلیل نمایید.
الف) پیش از رستاخیز: شخصیتها؛ تقاضاهای مادران؛ عکس‌العمل‌های پیامبران و دستوراتی که می‌دهند.
ب) خود معجزه: چگونگی آن؟ حرکات و کلمات؟ چه کسی چه کاری انجام می‌دهد؟
پ) پس از رستاخیز: عکس‌العمل مادران.

- خدا به شباهت ما نیست، او شباهتی به بعل که انسان او را آفریده ندارد. مفهومی که ایمان‌داران از خدا دارند باید بی‌وقفه تصفیه شود.
- خدا وفادار است. پس ما نیز باید نسبت به او وفادار باشیم. این وفاداری که همانند جاده‌خوشبختی معرفی شده است ابتدا در میل ما به زندگی کردن طبق شریعت خدا، قانون و عدالت بیان می‌شود و مستلزم احترام به حقوق دیگران، به خصوص ضعفا و ناتوانان است.
- ایمان به خدای اسرائیل بدین مفهوم است که امید داشته باشیم حتی ر. موقعیتهای ناگوار کنونی خدا قادر است انبیاپی برگزیند، مردان و زنانی که با پیش راندن زمان حال آینده‌ای بهتر را بر ما می‌گشایند.

کار گروهی

می‌توان در ادامه کار به همان روش کار انفرادی عمل نمود. یکی از اعضای گروه با خواندن اولین روایت به معرفی نکاتی می‌پردازد که از نظر او دعوت به ایمان تلقی می‌شود. سپس دیگر اعضا می‌توانند با دادن نظریات خود برای تصریح و غنی‌تر نمودن مقاله خوانده شده در این امر شرکت نمایند.

عضو دیگری از گروه دومین روایت را می‌خواند و یافته‌های خویش را بیان می‌دارد و بنابراین مباحثه جدیدی درمی‌گیرد. در مورد سایر روایات انتخابی نیز به همین نوع عمل شود.

این تحقیق می‌تواند دو یاسه جلسه ادامه داشته باشد. در هر جلسه، باید ۲۰ دقیقه آخر را به خود اختصاص دهیم تا بدین وسیله از خود پرسیم چگونه تمام اعتقادات بیان شده با تجربیات ایمانی مسیحی مرتبط می‌شوند

بند تفکری اسرارآمیز می‌باشیم. جسم را لمس می‌کنند و بر آن دراز می‌کشند (عملی که در خاور نزدیک رایج بوده است). حیات توسط علامت مشخصه اش یعنی نفس کشیدن به افراد باز می‌گشته.

روایات با چه چیز به پایان می‌رسند؟ آیا تفاوتی میان روایات اناجیل و

عهد عتیق می‌بینید؟

چه اهمیتی برای شفا دهندگان و خود شفا به عنوان عمل خداوند قائل

شده‌اند؟ به نظر شما تعلیم مذهبی هر کدام از این روایات

انجیلی چیست؟

نتیجه‌گیری: کدام یک از این دو روایت به نحوی بهتر علم الهی پیامبر را تشریح می‌کند؟ کدام یک از دیگری الهام می‌گیرد و سعی در برتری دارد؟ (ر.ک. به گروههای مطالعاتی کتاب مقدس).

۲- رستاخیزهایی که عیسی انجام داد

از همان روشهای بالا برای مقایسه روایات نائین و یائیروس استفاده نمایید. از آنجایی که تنها لوقا روایت نائین را حکایت کرده است می‌توانید روایت یائیروس را نیز در انجیل او مطالعه نمایید.

تعابیر و اصطلاحات به کار رفته در تشریح حالات افرادی که عیسی نجاتشان می‌دهد را مشخص سازید. به عکس‌العملهای مردم و پایان این دو معجزه توجه نمایید.

۳- کلمات متفاوت در بیان حقیقتی واحد

در این مرحله به تعابیر و اصطلاحات توجه فرمایید. اصطلاحات بکار رفته در هر کدام از مراحل الف، ب و پ را در هر چهار روایت مقایسه نمایید (می‌توانید با یوحنا ۱۱ نیز مقایسه نمایید): افعال حرکتی و بیانی را نیز مورد توجه قرار دهید. چه کلماتی در تشریح بازگشت به زندگی رستاخیز یافتگان به کار رفته است؟ آیا این کلمات در عهد عتیق و اناجیل یکسانند؟

حال دریافتید چرا عبارت «رستاخیز» در این مورد نامناسب می‌باشد. مرگ در عهد جدید همانند خواب در نظر گرفته شده است و در نتیجه از بیداری سخن به میان می‌آید. درحالی که در روایت ایلیا و الیشع ما هنوز در